ایران

• دوشنبه ۱ اردیبهشت ۱۴۰۴
• ۲۲ شوال ۱۴۴۶
• ۲۱ آوریل ۲۰۲۵
• سال سی‌ویکم
• شماره ۸۷۲۰
• ۱۶ صفحه
• قیمت در سراسر کشور: ۱۰۰۰۰ تومان

Iran Newspaper
ISSN1027-1449
Keytitle: IRAN (Tehran)
irannewspaper.ir

شاخص کل در آخرین روز فروردین، ۶۵ هزار واحد رشد کرد

پیام سقف شکنی تاریخی بورس

توصیه یک کارشناس بورس به سهامداران: دید کوتاه مدت نداشته باشید

۶

عربستان برخلاف ۲۰۱۵
از توافق ترامپ با ایران حمایت می کند

چرخش سیاست ریاض به سود اقتصاد

۵

چرا سرلشکر باقری بر تأمین امنیت خاورمیانه توسط کشورهای منطقه تأکید کرد؟

سیاست دوستونی تهران

۲

«ایران» روند مذاکرات تهران-واشنگتن را بررسی می کند

رازهای مذاکره رو به جلو

۴

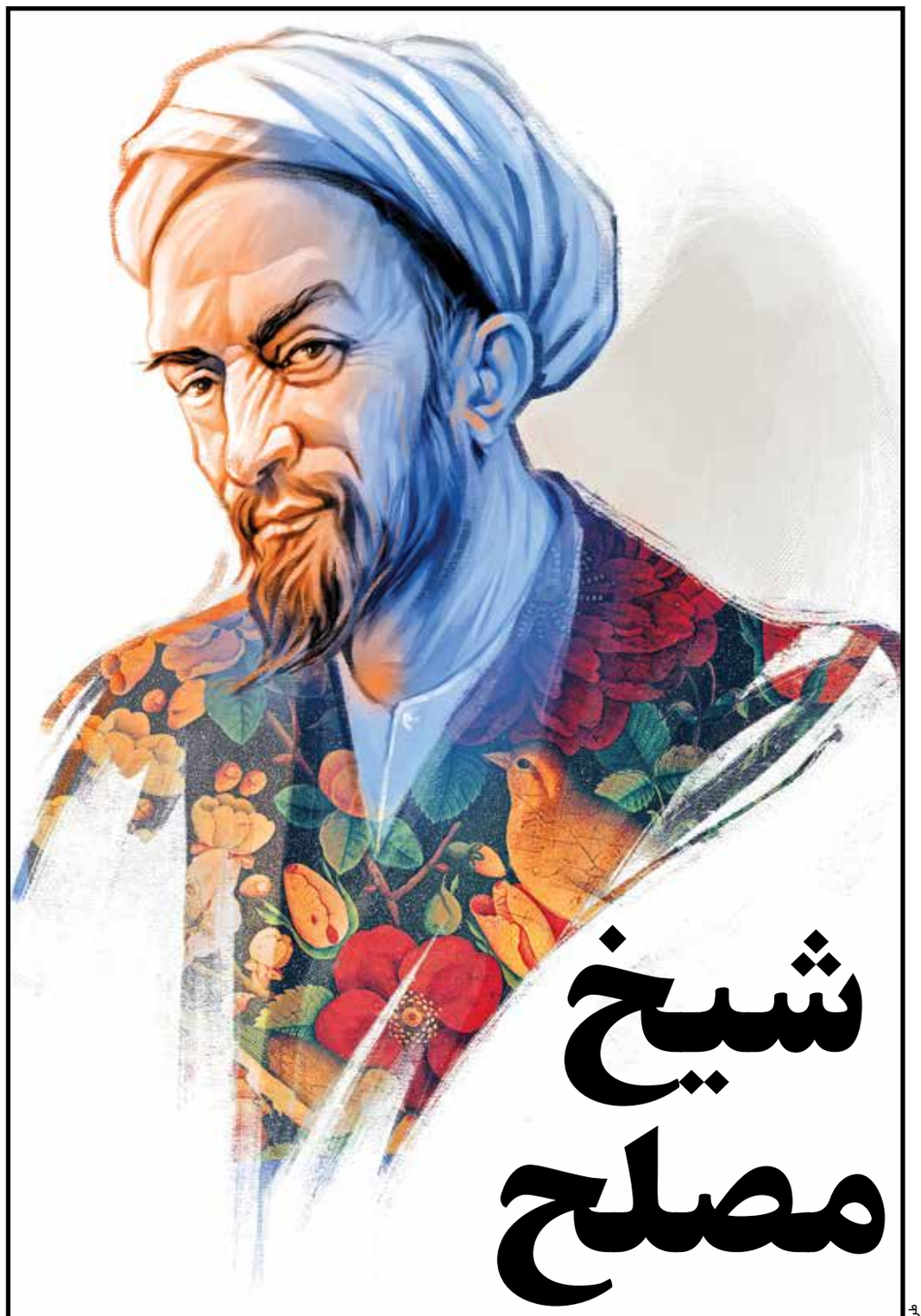

شیخ مصلح

«ایران» به مناسبت یکم اردیبهشت، روز سعدی به این شاعر پارسی گوی و نسبت زبان و اندیشه او با امروز پرداخت

طرح: هادی حیدری/ایران

قصه غربت زبان فارسی در خاستگاهش

زبان دل و دربار

دامن کشیدن جهان ایرانی از کاشغر تا سارایوو

۹ ۸

۱۶ ۱۰ ۱

گروه فرهنگی - امروز روز سعدی است اما دقیقتر این است که بگوییم سعدی شاعر امروز است. شاعر روزگار ما. شاعری که به اندازه فردوسی، معمار و نگاهدار زبان فارسی بود و بیش از او در ساختن و اعتلا بخشیدن به زبان گفت‌وگو و زندگی روزانه کارساز شد. آنکه حال ما را به درستی و درایت، فهم و روایت می‌کند، در حال می‌زید. معاصر ما می‌شود.

سعدی برای بسیاری به سخندانی و سخن‌سرایی شناخته می‌شود. به نثر مسجع و آهنگینش. به شیرینی سخن و شور کلامش. اما علاوه بر این، سعدی را باید به دلیل شناخت عمیقش از خلقیات ما ایرانیان به یاد آورد. به گمانم او در بوستان و گلستانش، پنجره‌ای رو به شناخت خلقیات ایرانیان می‌گشاید که تا همین امروز امتداد می‌یابد و می‌توان درآینه آن، خود را تماشا کرد و شناخت. به قول یکی از بزرگان، شناخت ژرفای سنت ایران بدون بازخوانی سعدی، کاری سخت دشوار است.

باید در بوستانش قدم زد و درگلستانش چرخید تا فهمید چه گنج نهانی است سعدی. که چه خوب ما را؛ بد و خوب ما را به خودمان می‌شناساند. او مردم‌نگاری انسان‌گراست که در هر خوانشی از او می‌توان چالشی از زیست خود را جست. دوستان اهل قلم و ادب و اندیشه از نسبت سعدی با ایران امروز نوشته‌اند. آنکه عصاره غم و شادی‌های ما را روایت می‌کند، هم‌عصر ماست. او مدام متولد می‌شود که خود گفته: سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز.

یادداشت یک

سعدی همچنان چراغ راه است

سیدعباس صالحی
وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

ایرانِ عزیز ما، روزهایی را از سر می‌گذراند که سخن گفتن از «وفاق» و «همدلی»، نه شعار یک دولت، بلکه ضرورتی است برای زیستن؛ برای زیستی که اگر بر پایه فهم، گفت‌وگو و همراهی استوار نشود، نمی‌توان به فردایی روشن امید داشت. در این میان، آموزه‌های سعدی علیه‌الرحمه، این استاد بی‌بدیل زبان و انسانیت، همچنان می‌تواند چراغ راه باشد. سعدی نه فقط شاعر عشق و اخلاق، که پیام‌آور عمل و پایداری‌ست؛ آنگاه که می‌گوید: «به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل وگر مراد نیابم، به قدر وسع بکوشم» ایستادگی پیامی‌ست روشن در دل تاریکی‌های تردید. باید حرکت کرد، باید کوشید. این بیت ما را به یاد می‌آورد که ساختن ایرانِ بهتر، تنها در گرو سیاست‌ها و ساختارها نیست، بلکه در گرو رفتار و باور تک‌تک ماست؛ هرکس به اندازه توان خویش، در هر جایگاه و موقعیتی که هست. در چنین روزی، که به نام سعدی شیرازی مزین است، ما نه‌تنها شاعری بلندآوازه، که یکی از مفاخر ماندگار تمدن ایرانی اسلامی را گرامی می‌داریم؛ اندیشمندی که با کلامی شیرین و حکمتی عمیق، تا امروز یکی از چراغ‌های پرفروغ خرد این سرزمین بوده است. بزرگداشت سعدی، بزرگداشت اخلاق، گفت‌وگو و انسان‌گرایی‌ست؛ گرامی‌داشتِ زبانی است که هم پیونددهنده دل‌های ایرانیان است و هم سفیر فرهنگ ما در جهان. روز بزرگداشت و گرامیداشت سعدی، فرصتی است تا به یاد آوریم که این خاک، با چنین گوهرهایی، سزاوارِ زیستی همراه با عزت، آرامش و همدلی‌ست.

یادداشت

سعدی حکمت ایرانی را به‌روز کرد

کوروش کمالی سروستانی
سعدی‌شناس و رئیس مرکز سعدی شناسی

اگرچه سال‌شمار عمر انفسی سعدی به قرن هفتم هجری می‌رسد، اما روزشمار عمر آفاقی‌اش از حضور پیوسته و مدامش، از همان دوران تاکنون حکایت می‌کند. حضور پرشکوهی که پس از قرن‌ها همچنان بر خوان آن نشسته‌ایم و خوشه‌چین حکمت و دانش و هنرش هستیم. در آثار شاعران سرشناس ادبیات کلاسیک، از جمله سعدی، حکمتی که به آن باور داشته‌اند موج می‌زند؛ حکمتی که در آن راستی، مهر، عشق، انسان، همدردی و همراهی موج می‌زند.

نکته قابل توجه درباره سعدی آن است که حکمت ایرانی را به گونه‌ای به‌روزرسانی کرده است که حتی برای انسان امروز نیز کاربرد و تازگی دارد. هسته اصلی این حکمت، رشد اخلاقی انسان است، چه از منظر اخلاق حاکمان و چه به جهت اخلاق مردمان و چه حتی ارتباط هردو اینها با یکدیگر. سعدی در روزگار حیات خود با دشواری‌ها و اتفاقات بسیاری از جمله حمله مغول روبه‌رو بوده؛ دوره‌ای که مصادف با وقوع شکست‌های تاریخی متعدد بوده و سبب بروز بحران‌های اجتماعی-اقتصادی و فروپاشی مراکز بزرگ سیاسی، فرهنگی و حتی مذهبی شده که در نتیجه‌شان، یأس و فقر و نابسامانی‌ها گسترش زیادی پیدا می‌کند؛ وضعیت اجتماعی آن دوره، نیازمند دوستی و صلح بوده، نیازمند جلب توجه حاکمان به اینکه بیش از پیش حواس‌شان به مردم باشد. در آن شرایط سعدی منادی عشق، دوستی و احترام می‌شود. همین ویژگی‌هاست که اشعار بزرگانی نظیر سعدی را فراتر از زمان و مکان، برای همیشه ماندگار کرده است. اغراق نیست که بگوییم سعدی بعد از قرن‌ها هنوز زنده و همراهمان است و عجیب نیست که در روزگارمان نویسندگان و شاعران شاخصی همچون هوشنگ گلشیری، ابراهیم گلستان، حسین منزوی و هوشنگ ابتهاج تحت تأثیر سعدی قرار گرفته‌اند. با وجود این ارتباط میان نسل جوان با ادبیات کلاسیک قطع شده است، البته نه فقط با سعدی، بلکه با ادبیات کهن و کلاسیک ایرانی. چرا؟ به این دلیل که در اجرای سیاست‌های فرهنگی موفق نبوده‌ایم. هنوز درباره سعدی حتی یک فیلم سینمایی و مجموعه تلویزیونی شاخص ساخته نشده است! تنها چند تئاتر مرتبط با آثارش به روی صحنه رفته‌اند اما مگر در هر سالن نمایش، چند نفر به تماشا می‌نشینند که از آنها بتوان انتظار اثرگذاری آنچنانی داشت. در موسیقی هم کارهای خوبی انجام شده اما اغلب محدود به موسیقی سنتی هستند؛ نمونه‌اش آثار ماندگار زنده‌یاد محمدرضا شجریان که یک تنه، اشعار بسیاری از حافظ و سعدی را به خانه‌های مردم برده است.

با این حال فعالان موسیقی پاپ و سبک‌های جوان‌پسند، توجه چندانی به گنجینه‌های ادبیات کهن و بزرگانی چون سعدی نداشته‌اند. همان‌هایی که انجام شده‌اند هم خوب و ارزشمند هستند، اما کافی و مناسب همه گروه‌های سنی نیستند. متأسفانه کار سازمان یافته‌ای در این رابطه نشده است. حالا که مسئولان، سیاست‌گذاری منسجمی دراین رابطه ندارند، بهتر است که خود اهالی هنر برای پیوند سعدی و دیگر بزرگان شعر کلاسیک با مردم و جوانان کاری کنند. معتقد به وقوع معجزه در جلب توجه مخاطبان به چنین آثار ارزشمندی نیستم اما کار غیرممکنی هم نیست؛ قدری دغدغه‌مندی‌طلب می‌کند و البته جدیت و عشق.

یادداشت

ستایشگر زندگی

محمدحسین دلال‌رحمانی
جامعه‌شناس ادبی

سعدی نماینده شکلی از خرد متواضع است که از الگوهای حماسی فاصله می‌گیرد. پیش از او، فردوسی تلاش کرده بود که منطق امر حماسی را ذیل خرد نوبنیاد عصر رنسانس اسلامی تفسیر کند. پروژه او برساختن شکلی از هویت ملی حول داستان‌های کهن ایرانی بود که همزمان بتواند با خردگرایی آن همگام باشد. پس ضرورتاً او ناچار به تأویل داستان‌های حماسی بود.

سعدی با فاصله چند قرن از او، بازمانده شکل ویژه‌ای از خردورزی بود که می‌رفت در منطق اندیشه عرفانی ذوب شود. به یاد آوریم که سعدی هم‌دوره با مولوی بود، اما شکل دیگری از مواجهه با زندگی را روایت می‌کرد. در حالی که تلقی عرفانی به سوی نفی زندگی روزمره می‌رفت، آثار سعدی ستایشگر زندگی و تلاش برای گشایش مسیر بهزیستی بود.

او توصیه‌هایی برای زیست روزمره داشت و به مسائلی موقعیت‌مند می‌پرداخت. در حالی که تلقی عرفانی از زیست روزمره فاصله می‌گرفت یا آن را تنها از منظری تفسیری به روایت می‌کشید.

ذیل منطق عرفانی، شکلی از عقلانیت حماسی قرار داشت که حتی از فردوسی عقب‌تر بود. منظور من نفی خرد عرفانی و لحظه‌های درخشان آن نیست، بلکه مسأله امکان‌های پرداختن به زیست روزمره است؛ چیزی که می‌توان آن را ستایشگری زندگی نامید.

دشوار نیست که بگوییم متن عرفانی به سختی می‌توانست ستایشگر زیست روزمره باشد و به راهکارهایی برای بهبود آن بیندیشد و از این زاویه است که چنین متونی، به لحاظ منطقی پیش از تلاش‌های تفسیری برای به کار انداختن داستان‌های حماسی در زندگی روزمره بودند.

بنابراین گرچه سعدی بازمانده خِرد عصر رنسانس اسلامی بود، نسبت به الگوهای نافی زندگی، قرابت بیشتری با عصر پسامشروطه داشت. خصیصه عصر جدید نوعی عرفی شدن فراگیر است که بر اساس خرد روزمره، به رهایی در فرم موجود می‌اندیشد؛ عصری که می‌خواهد ستایشگر زندگی باشد، درست از این منظر می‌تواند از سعدی بهره گیرد.

روشن است که چنین بهره‌ای از خلال تفسیر می‌گذرد یعنی نیازمند استفاده‌های تفسیری از اندیشه سعدی برای عصر معاصر است. مسأله آن نیست که حکایتی از سعدی را برای دنیای معاصر به کار گیریم، مسأله آن است که کلیت نگاه او را مورد بازاندیشی قرار دهیم و از خود درباره امکانات او برای تحلیل شرایط کنونی پرسش کنیم.

برای نمونه می‌توانیم به یاد آوریم که سعدی فقیهی تمام‌عیار با گرایش‌های عرفانی بود و در عین حال می‌توانست به مسائل جاری زندگی نگاهی راهگشا داشته باشد. چه چیزی چنین توانایی به او داده بود؟ آیا می‌توان آن امر توان‌بخش را احیا کرد؟ چه خصیصه‌ای امکان سخن گفتن درباره وضعیت معاصر را به او داده بود؟ مسأله آن است که عصر ما، گرفتار ناتوانی‌های جدی برای پرداختن به وضعیت معاصر است. متفکران بسیاری به این ناتوانی پرداخته‌اند و از ناکامی نسل معاصر متفکران در مواجهه معنادار با وضعیت کنونی سخن گفته‌اند. بنابراین شاید تجربه سعدی بتواند مسیرهای تازه‌ای بگشاید یا ما را از رفتن به بیراهه‌ها باز دارد.

سعدی راه‌حل امروز ماست

یادداشت

حسام‌الدین سراج
استاد آواز

سعدی را بزرگان ادب پارسی پیامبر سخن می‌دانند.

او در اخلاق وحکمت و روش زندگی از قله‌های ادب پارسی است.

مثلاً درباب قناعت چنین سروده:

خدا را ندانست و طاعت نکرد
که بر بخت و روزی قناعت نکرد
قناعت توانگر کند مرد را
خبر کن حریص جهانگرد را
سکونی به دست آور ای بی‌ثبات
که بر سنگ گردان نروید نبات

یا درمورد قناعت و آرامش در پرهیز از حرص می‌فرماید:

چشم تنگ مرد دنیادار را
یا قناعت پر کند یا خاک گور

یا در مورد صبر با این مراعات النظیر بی نظیر می‌فرماید:

منشین ترش از گردش ایام که صبر
تلخ است ولیکن بر شیرین دارد

یا اشعار عاشقانه‌ای که در آواز ایرانی بسیار زیبا و دلنشین می افتد مثل آواز استاد شجریان درماهور:

هزار جهد بکردم که سر عشق بپوشم
نبود بر سر آتش میسرم که نجوشم
به هوش بودم از اول که دل به کس نسپارم
شمایل تو بدیدم نه صبر ماند و نه هوشم

در آواز ایرانی بیشتر از شیوه عراقی یعنی شیوه سعدی و حافظ استقبال شده است. باید گفت سعدی در اخلاق وحکمت، در عشق ودلدادگی و داستان‌های پندآموز به نثر مسجع ونظم بدیع شاعرانه سخن را تمام کرده است.

سخنان سعدی بهترین الگو و سرمشق برای برون رفت ازناهنجاری‌های اخلاقی واجتماعی فعلی است.